

## چرا وقتی انسان بر مرکب قدرت سوار است انقدر شلنگ و تخته میاندازد؟

خانم عشرت شایق، نماینده مردم تبریز، چرا انسان وقتی بر مرکب قدرت سوار است، بسرعت گذشته خود را فراموش میکند و انقدر شلنگ و تخته میاندازد؟!

به گزارش ایننا در تاریخ ۸۳/۸/۲۹، خانم عشرت شایق نماینده تبریز اظهار داشته است که «اگر ۱۰ زن خیابانی اعدام شود، دیگر زن خیابانی نخواهیم داشت»!! این حقیقتی است که میگویند انسان با شکم سیر هذیان میگوید. در اینجا البته هذیان خانم شایق تبدیل به کلمات قصار هم میشود!

خانم شایق، پیشنهاد میشود که شما این کلمات قصار را برای روزی نگهدارید که این زنان خیابانی در قیامی سراسری و متحد، بلند شده و شما را از مرکبتان به پایین کشیده و روانه خیابان کنند. اگر راست میگویید، در چنین روزی، مانند موشی که پنهانی و دور از انظار فرار میکند، پا به فرار نگذارید و ببینید در حالیکه روانه خیابانهای شهر تبریز هستید و این زنان خیابانی فعلی، دستور اعدام شما و نه نفر دیگر از همقطاران را میدهند چه حالی پیدا میکنید.

خانم شایق شما اگر خود را دارای شعور کافی برای نمایندگی کردن این زنان میدانید، طبیعتاً باید بدانید که هیچ انسان عاقل و بالغی، یک زندگی گرم و نرم را رها نکرده تا خود را آواره خیابان نماید. پس کسی که دست به چنین عملی میزند، دو حالت بیشتر نمیتواند داشته باشد: یا دیوانه است که پس اعدامش راه حل احمقانه است و یا از نظر عقلی سالم است ولی جایی که زندگی میکرده، برایش از خیابان بدتر بوده است که در این صورت اعدامش نشانه ابعاد و عمق فاجعه نظام لجام گسیخته ایست که پس از بیش از ۲۵ سال در حکومت نشستن، به جای اینکه توانسته باشد، معضلات اجتماعی را از سر راه توده فقیر و بی سرپناه جامعه برداشته و ریشه کند، ریشه انسان هایی را که با این معضلات درگیر هستند، برمیکند. این نهایت وقاحت و بی شرمی مسئولین نظام حاکم، مانند خانم شایق را میرساند که زود فراموش میکنند که از کجا آمده اند و باورشان نمیشود که روزی دوباره آواره همتاجا خواهند شد.

جالب اینجا است که خانم شایق حاضر نیست که در این مورد به هیچ وجه با مقامات دولتی کنار بیاید. لذا برای ایشان فرق نمیکند که متخصصان مسائل زنان و خانواده که خود از عناصر رژیم هستند، دلایل بسیاری را برای وجود پدیده زنان خیابانی برمی شمارد که تمام آنها بیان کننده دو معضل اصلی است: یکی بیکاری و نبودن کار که در هر جامعه ای اول زندگی زنان آنرا تحت الاشعاع قرار داده و به نابودی میکشد؛ دیگری ستم جنسی وارد بر زنان و دختر ما در چارچوب مردسالار خانه!

لذا ما به خانم شایق پیشنهاد میکنیم که بجای «اعدام ده تن از این زنان»، برای این ده تن شغلی شرافتمندانه و با حقوقی کاملاً کافی و متناسب با تورم روز فراهم کند و سپس برای آن دسته از زنانی که به علت ضرب و شتم مردان در خانواده از خانه هایشان فراری شده اند، با حدود قانونی گذاشتن برای این مردان، محیط امن و سالمی برای این زنان بوجود آورد و بعد بنشیند و نتیجه کار خود را ملاحظه کند و آن نتایج را به ارزیابی صحیح گذارد، آنوقت خواهد دید که چند نفر از این زنان زندگی خیابانی را انتخاب میکنند.

در آخر باید به خانم شایق این یادآوری را کرد که شما که هر شب در رختخواب گرم و نرمت با شکم پر میخوابی و ماهی دو سانتیمتر به قطر کمرت اضافه میکنی، از تهدید به مرگ میترسی چون نمیخواهی اینهمه نعمات الهی را از دست بدهی. اما زنان خیابانی به علت فشار و سختی سببانه ای که تحمل میکنند، شاید مرگ برایشان رهایی از تمام مشقات الهی بشمار آید و آنرا با دل و جان بپذیرند.

دیدگاه شایق یک میراث طبقاتی

و اما آنچه که در اینجا باز هم برای باری دیگر، قابل یادآوری است، موضع طبقاتی شایق در مورد زنان خیابانی است. او با این کلمات قصار خود، در حقیقت بر اصل انقلابی ای در مارکسیزم مهر تأیید گذاشت. آن اصل این است که انسان در هر جامعه و عصری، ماهیت خود را در ماهیت طبقه اش جستجو میکند؛ هر انسانی همان چیزی است که طبقه ای که به آن تعلق دارد، است. این اصل در مورد زنان به همان اندازه صحت دارد که در باره مردان صحت دارد. در نتیجه هرگز نمیتوان زنان را بطور اعم در یک کفه گذاشت و آنها را متحد هم در تمام زمینه ها دانست، صرفاً به خاطر اینکه زن هستند. زنان هم مانند مردان از موضع طبقاتی خود حرکت میکنند، حتی در رابطه با یکدیگر. موضع شایق در برابر زنان خیابانی، نمونه ای بارز و بسیار گویای این امر است. شایق با وجود اینکه خود یک زن است، آنها هم یک زن ایرانی، به سختی میشود باور کرد که در باره ستم جنسی و ستم مضاعف بر زن آگاهی نداشته و در مقطعی از عمرش آنها را با گوشت و پوست خود لمس نکرده باشد. با این وجود، چون در این مرحله از زندگیش به طبقه حاکم و پولدار (سرمایه دار یا به عبارتی دیگر بورژوا) تعلق دارد و حتی خود در مقام قدرت نشسته است، به راحتی حاضر است حکم اعدام زنانی را که نه تنها خارج دستگاه حکومت قرار دارند، بلکه از منابع ثروت ملی کشور کاملاً بی بهره هستند و در مقایسه با او در طبقه ای کاملاً متضاد قرار دارند، بدهد و در بیانات خود مدعی میشود که «جای زن در خانه است» حالا حتی اگر در آن خانه به قتل برسد.

در نتیجه در رابطه با زنان خیابانی، ما نمیتوانیم فرقی بین شایق و مثلاً خامنه ای ببینیم. پس موقعیت طبقاتی که حافظ منافع آن طبقه است بر اختلاف جنسی و مبارزات فمینیستی تقدم دارد و در نتیجه آن، خانم شایق بجای دفاع از این زنان در برابر مردسالاری مردان در خانواده و ضرب و شتمی که نسبت به زنان روا میدارند، از سر به خیابان زدن این زنان شکفته دارد و بقدری منافع طبقاتی خودش را در خطر میبیند که حاضر است برای برکندن غانله، حتی برای زمان کوتاهی هم که شده، زنان را تهدید به اعدام کند و اگر موقعیت فراهم شود، اعدام هم میکند.

زنده باد مبارزات زنان و مردان زحمتکش و کارگر ما  
پیش بسوی انقلاب سوسیالیستی به رهبری زنان و مردان بزرگ و مبارز

سارا قاضی  
۲۰ نوامبر ۲۰۰۴